

نخستین فیلم‌های انقلاب زیر ذره‌بین انقلابیون



احسان زیورالم خیرنگار

بخش مهمی از مقالات پیشین بایگانی به مشکلات و دشواری‌های تولید فیلم در ایران پس‌انقلاب اختصاص یافته بود. ازاینکه چطور گروه‌های مختلف فکری توانایی اشتراک بر سر یک موضوع مهم؛ یعنی سینما را نداشتند و حتی گاه مساله از تفکر جمعی خارج می‌شد و عامل افتراق، نظرات شخصی بود. مصادره سینما، موجب ترس و هراس فعالیت بخش خصوصی شده بود و بخش مهمی از انقلابیون با تاسی از کشورهایی چون الجزایر و کوبا در تلاش بودند سینمایی دولتی و البته تبلیغی راه بیندازند. در چنین وضعیتی سرمایه‌گذارانی که از سال ۱۳۵۵، با اقول سینمای فارسی پا از ورطه خطرناک سینمای ایران بیرون کشیده بودند نیز تمایلی به تولید اشکال جدید سینما نداشتند؛ اشکالی پرامده از انقلاب و البته متأثر از سینمای چپ‌گرایی که با پیروزی انقلاب حلال‌پر سر در سینماها جلب توجه می‌کردند. فیلم‌هایی با موضوع استعمار امپریالیست‌ها و استثمار شدن جوامع فرودست، فیلم‌هایی چون «نبرد الجزایر» حالا محبوبیت ویژه‌ای پیدا کرده بودند و این مساله در قامت فیلم‌های داستانی مستندگونه سال‌های پایانی دهه ۵۰ خود را بازنمود می‌کرد.

با این وجود تولید فیلم در روزهای پایانی دهه ۵۰ ناممکن هم نبود. برخی از دستگه‌های دولتی از جمله «تل فیلم» اقداماتی برای روشن نگاه داشتن چراغ سینما داشتند. تل فیلم که بعدها در ساختار تلویزیون ایران، به «سینما فیلم» تغییر نام یافت، واحد تولید فیلم در تلویزیون ملی ایران، زیر نظر فریدون رهنما بود که هدفش حمایت از گونه‌های نامتعارفی از سینما بود، گونه‌هایی که مخاطبش عوام نبودند؛ اما در آن سوی مرزها می‌توانست تریبون رسمی ایران در جشنواره‌های سینمایی باشد. فیلمسازانی چون سهراب شهیدثالث، آریی آوانسیان یا پرویز کیمیایو برآمده از تل‌فیل بودند و حال‌ا این نهاد به دست مسعود کیمیایی افتاده بود که اساسا خارج از چهارچوب تعریف‌شده تل فیلم فیلم ساخته بود. اگرچه کیمیایی را یکی از ارکان موج‌نوی سینمای ایران می‌شناختند؛ اما برخلاف دیگر چهره‌های شاخص موج‌نو، فیلم‌های کیمیایی آثار محبوب گیشه بودند و می‌توانستند عامه مردم را ترغیب به دیدن خود کنند. با این حال شرایط پس‌انقلاب چنان نبود که کیمیایی برای مثال علم قیصرسازی را به اهتزاز درآورد. درعوض اگر فضای کارهای پایانی کیمیایی چون «خاک» و «سفر سنگ» را در نظر بگیریم، می‌توان دریافت چگونه انقلابیون او را دوست می‌داشتند. مهم‌تر آنکه محمدعلی نجفی در تولید نخستین فیلمش، «جنگ اطهر»، از گروه تولید «سفر سنگ» بهره جسته بود که نشان از رابطه او و کیمیایی و احتمالا ارتباط کیمیایی با دفتر آرت فیلم دارد. قلم‌سنگ کیمیایی در گفت‌وگویی با روزنامه اطلاعات در در ۲۲ بهمن هم مرداد ۱۳۵۸، مدعی شده بود «مطر بزرگ سینمای ما ساختن فیلم‌هایی است که الگو بشوند و در یک قالب بمانند و این سینمایی که بعد از انقلاب باید به وجود بیاید، باید سخت مواظبش بود.» به نحوی کیمیایی می‌دانست خطر یکسان‌نگری در کمین سینمای ایران است، چیزی که مطلقا رخ نداد؛ اما رخ‌نمایی کرد.

دیگر نهاد درگیر فیلمسازی «سینما در روزگار محمدعلی رجایی» بود که در سه مقاله پیشین درباره چگونگی شکل‌گیری آن و تلاش‌هایش برای حذف رقیبا و البته به جنگ آوردن کنترل سینماها به تفصیل سخن گفته بودیم. در آخرین مقاله «بایگانی» با عنوان «جنگ قدرت بر سر سینمای بی‌فیلم» گفتیم که گزارشی در روزنامه کیهان به تاریخ هشتم فروردین ۱۳۶۰، به نقل از علی زندی، چهره‌ای ناشناخته در سینمای پس‌انقلاب منتشر شد که در آن آمده بود: «با تجربه کم و وجود مشکلات بسیار زیاد درصدد تهیه فیلمی برآمده‌ایم. سناریوی این فیلم که در مورد زندگی میزاکوچک‌خان می‌باشد براساس کلیه کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است، تهیه شده و به چندین شخصیت نیز جهت نظرخواهی ارائه شده است.»

جمال امید اما از یک نهاد ناشناخته دیگر نیز در کتاب «تاریخ سینمای ایران» یاد می‌کند: «سازمان سینمایی محمدزاده»، که در اواخر ۱۳۵۸ با همیاری اداره کل ترویج و نمایش فعالیت کرد. این نهاد ظاهرا خصوصی، در هیات مؤسس خود نام‌هایی چون سید محمد موسوی خوئینی، ابوالحسن بنی‌صدر و عبدالحسین محمدزاده را می‌دید. این سازمان همان جایی است که فیلم «الرساله» مشهور به «محمد رسول‌الله» را وارد کرد و البته سروصداهایی به پا کرد. پس عجیب نیست در خبر آغاز به کارش در روزنامه کیهان دوم مرداد ۱۳۵۸ آمده است: «به منظور احیای هنر در اسلام و پرورش استعدادها و خلق آثار هنری که در خور جامعه انقلابی ایران باشد، بنیاد هنری به تاژگی اعلام موجودیت کرده و فعالیت خود را آغاز نمود.»

حال در چنین وضعیتی که هستی سینمای ایران نسبت به سال‌های پیشینش کوچک شده بود، به گفته جمال امید ۱۱ فیلم ساخته شد که امید می‌گوید تنها شش فیلم مجوز ارکان پیدا کردند. هفت فیلم هیچ‌گاه به ارکان عمومی نرسیدند؛ اما این فیلم‌ها چه بودند؟

➤ **زنده‌باد…**

نخستین فیلم ۱۳۵۹، نخستین فیلم بلند خسرو سنایی بود که پیش

➤ **چارسو**

پژمان بازغی مشاور «کودک شو» شد

پژمان بازغی درباره حضورش به عنوان مشاور در کنار تیم جدید «کودک شو» و همچنین اینکه در فصل جدید حضور خواهد داشت با خبر به مهر گفت: «یک جلسه معارفه بین من و تهیه‌کننده جدید برنامه برگزار شد که گفت‌وگویی با یکدیگر داشتیم و بعد از آن جلسه من در خیرها خواندم که شخص دیگری جایگزین من شده است که البته این هم از اختیارات شبکه است که مجری جدید انتخاب کند.» وی اضافه کرد: «با این حال درباره حضور من به عنوان مشاور تولید نه گفت‌وگویی داشتیم نه از طرف تهیه‌کننده تماس دوباره‌ای گرفته شده است. ضمن اینکه این روزها مشغول همکاری با سریال «غریبه» به کارگردانی سروش محمدزاده هستیم. تمام وکمال درگیر این مجموعه هستیم و طبیعتا تیم جدید هم همه فکر خود را کرده است.» بازغی در سخنانی کوتاه درباره همکاری با دیگر برنامه‌های شبکه نسیم به عنوان مجری نیز تصریح کرد: «چند پیشنهاد هم از طرف شبکه نسیم و هم دیگر شبکه‌های تلویزیون مطرح شده است، پیشنهادهایی هم از طرف پلنفرم‌ها برای اجرا بوده است که فعلا برای هیچ‌یک به توافق نرسیده‌ایم.» وی در پایان بیان کرد که روز گذشته از طرف مدیر برنامه‌هایش و اخبار رسانه‌ها متوجه شده که از برنامه کناره‌گیری کرده است.

از انقلاب در مقام مستندساز و چهره‌های شناخته‌شده به حساب می‌آمد. فیلم که اثری سیاسی بود، با نگرشی مستندگونه، شاید متأثر از شاهکار جیلو پونته‌کوروو، «نبرد الجزایر» ساخته شد. فیلم داستان مهندس محمود است که در اوج‌گیری رویدادهای پاییز ۵۷، تلاش می‌کند خانواده خود را از درگیری‌ها و راهپیمایی‌ها برحذر دارد؛ اما با ورود یک مبارز جوان با بازی مهدی هاشمی به زندگی‌اش، حالا او هم در تیررس ساواک، ششود مکالمات تلفنی و تعقیب و گریز قرار می‌گیرد و این منتج به انقلابی شدن یک بورژوا محافظه‌کار می‌شود. چهار سال بعد، سنایی که حالا چهره‌ای شناخته‌شده‌تر بود، در شماره ۱۶ مجله فیلم، در شهریور ۱۳۶۳ به هوشنگ گلמکنانی می‌گوید: «اصل مسلمی که همیشه برای من مطرح بوده و به آن معتقدم، اعتقاد به هنر سالم و در زمینه کاری خودم، سینمای سالم است. برداشت من از مفهوم یک سینمای سالم دقیقا مرتبط با سلامت یک فیلم از نقطه‌نظرهای سیاسی، اخلاقی، هنری، اقتصادی و… است» اصطلاح سینمای سالم کلیدواژه مهمی در نقد سینمای دهه ۵۰ به حساب می‌آید. با افزایش تابوشکنی در تولیدات فیلمفارسی، همچون رقابت در برهنه نشان دادن بازیگران سینما -که بعدها عیان شد محصول فشار تهیه‌کنندگان برای فروش بیشتر بود- منتقدان سینمایی از افزایش سینما و رسیدن به «سینمای سالم» می‌گفتند و حال سنایی از همان عبارت برای فیلم سیاسی خود استفاده می‌کند که از قضا هدفش نقد نظامی است که آن سینمای ناسالم را نمایندگی می‌کرد.

فیلم با اقبال چندانی روبه‌رو نشد، اما پیش به جشنواره‌های اروپایی باز شد و گفتمان ضدفاشیستی آن برایش جایزه‌ای در جشنواره کارلوویواری چکسلواکی و ارکان در جشنواره نانت و وین را به همراه داشت، اما جمال امید می‌گوید: «در بازیینی مجدد هیات نظارت و نمایش پروانه‌اش لغو می‌کرد.»

➤ **خونبارش**

۱۷ شهریور رویدادی یگانه در پیروزی انقلاب بود و بی‌شک در آن شوروحال پسا۵۷، سوژه‌ای بود محبوب برای رماش‌تازه شده و این مهم را امیر قویدل، دستیار سابق ساموئل خاچیکیان با همکاری رسول صدرعاملی، روزنامه‌نگار شناخته‌شده آن سال‌ها ممکن ساختند. فیلم روایت سه سرباز است که در بزنگاه ۱۷ شهریور، با سلاح خود به مردم می‌پیوندند و حالا مورد تعقیب نیروهای رژیم قرار گرفته‌اند. در نهایت یک نفر کشته و دو نفر دیگر دستگیر می‌شوند. فیلم گویا براساس رویداد واقعی ساخته شده است و در عنوان بندی نیز به جای فیلمنامه، «گزارشی از رسول صدرعاملی» را بازناب می‌دهد. نکته مهم‌تر آنکه دو سرباز دستگیر شده، قاسم دهقان‌سنگستانی و علی غفوری‌سینواری، در فیلم نقش‌های واقعی خود را بازی کردند و جالب آنکه این قهرمانان ناشناخته طبق گفته صدرعاملی هر دو در آن زمان زندانی بودند و پس از پایان فیلمبرداری به زندان بازگشتند. با وجود ضعف‌های که با دیدنش در این روزها ادراک می‌کنیم، مورد استقبال نشريات قرار می‌گیرد. برای مثال نویسنده بی‌نام روزنامه کیهان در ۲۶ آذر ۵۸ می‌نویسد اگرچه یک شاهکار سینمایی ندیده است؛ اما «می‌تواند به عنوان یک فیلم خوب و سالم در میان دیگر آثار برتر سینمای ایران برای خود جا باز کند و از سوی دیگر به عنوان برگ زرینی از پرونده فطور انقلاب شکوهمند اسلامی به آیندگان سپرده‌شود.»

فیلم که بارها از تلویزیون ایران نیز پخش شده است، اکنون حاوی نشانه‌های فرامتنی است. فیلم به جای عنوان بندی با انبوهی نام ارتشی‌ها آغاز می‌شود که قویدل و صدرعاملی از آنها به نیکی یاد می‌کنند و ساخته شدن فیلم را محصول همکاری آنها می‌دانند. فیلمی که هیچ بازیگر مشهوری ندارد، مزین به انبوهی از سربازان ارتشی آن روزگار است که به فیلم جلوه‌ای مستندگونه داده است؛ هرچند قویدل به غایت از فیلم‌های محبوب خاچیکیان نیز بهره برده است، کارگردانی که فیلمش در همان سال مجوز ارکان گرفت. اما فراتر از همه اینها مونولوگ ابتدایی فیلم از زبان فرمانده ارتشی است که از خطر انقلابیون می‌گوید و نیروهای خود را ترغیب می‌کند، جان آدم‌ها را فراتر از حفظ کشور در کنار کبان سلطنت می‌داند، به خصوص در این گفته عجیب «من فشنگ می‌دم، در عوضش جنازه می‌خورم» که می‌تواند کد مهمی باشد گره‌خورده با ۱۷ شهریور که با وجود اختلافات مورخان بر سر آن، شهرتش در کثرت کشته‌شدگان به دست ارتش است و عنوانش در تاریخ «جمعه سپاه.» فیلم محبوب شد و در نقدها در مقابل فیلم‌های سرهم بندی‌شده است چون «فریاد مجاهد» قرار گرفت که درواقع آثاری متعلق به پیش از انقلاب بودند با راش‌های اضافی و تغییرات عمده در دوبله، آنها را ظاهرا انقلابی می‌کرد. جمال امید در کتابش نکته جذابی بیان می‌کند، فیلم که در ارکان نخستش کمی بیش از یک میلیون تومان می‌فروشد، دو سال بعد در ارکان مجدد دوبرابر فروش می‌کند.

➤ **از فریاد تا ترور**

منصور تهرانی را عموم بابت ترانه‌هایش می‌شناختند؛ اما فیلمنامه‌نویسی را با «باغ بلور» تجربه کرده بود. پیروزی انقلاب برای تهرانی فرصت کارگردانی فراهم کرد تا او نخستین فیلمش را بسازد که امروز بیش از

تصویرش، آهنگش برای ما شناخته‌شده‌تر باشد. «از فریاد تا ترور» روایت چند دوست است که هر یک در فضای انقلاب با رویدادهای متفاوتی مواجه می‌شوند؛ از عشق گرفته تا مبارزه با فساد. فیلم که با اقبال منتقدان روبه‌رو نشده بود، خیلی شبیه به فیلم‌های اولیه پس‌انقلاب بود، سرشار از شعار و البته حامل همان ادبیات فیلمفارسی با چاشنی «گوزن‌های کیمیایی. ترانه «یار دبستانی» فیلم در آینده به یکی از محبوب‌ترین ترانه‌های ایرانی به‌خصوص در متینگ‌های سیاسی بدل شد. مخالفان فیلم از قضا به همین وجه ادبیاتی اثر گیر دادند، اینکه منصور تهرانی به جای فیلم ساختن، «ادبیات‌فانی» کرده است و این منتج به تولید شعار شده است؛ هرچند توج زاهدی، مoux سینما همین موضوع را در ترانه فیلم هم دنبال می‌کند، ترانه‌ای سست و با ترکیب‌های بی‌معنا.

➤ **قیام**

رضا صفایی از چهره‌های شاخص فیلمفارسی بود؛ اما البته شهرتش در کیفیت آثار نبود، بلکه در سرعت تولید آنها بود. صفایی توانایی آن را داشت در عرض یک هفته فیلمی سرهم کرده و البته در گیشه هم موفقیتی کسب کند. با اینکه با پیروزی انقلاب بسیاری از فیلمسازان سابق در انتظار آینده بودند، صفایی تصمیم به ساخت «قیام» گرفت که کلیتش تقابل میان مردم و رژیم پهلوی است. این نخستین فیلم صفایی در نظام جدید، ظاهرا آخرین فیلم او شد و البته آخرین فیلم فیلمنامه‌نویس پرکارش؛ حبیب‌الله کسماپس. فیلم همان رویکرد فیلمفارسی در فرم و بیان را دنبال می‌کرد با این تفاوت که به جای آن بورژواهای از دماغ فیل افتاده، نیروهای امنیتی جایگزین شده‌اند و جالب آنکه ارتشی‌ها در فیلم تصویر می‌لایم‌تر و همسو با مردم دازند. جمال امید در توصیف فیلم از صفات «فرصت‌طلبانه، شبه انقلابی و سهل‌انگاره و خالی از عمق و ظرافت» بهره می‌جوید. صفایی در گفت‌وگو با جمال امید درباره ارکان فیلم قیام می‌گوید «فیلم در نمایش از سه‌شنبه هفدهم شهریور، حدود دو هفته روی پرده بود و بعد از نمایش در چند شهرستان پروانه‌اش لغو شد، که اشاره به خودمختاری‌هایی دارد که در مقالات پیشین مطرح شده بود. به گفته جمال امیدصفایی در دهه ۷۰ پس از سکوت موفق به ساخت سریال «بهاران» و چند فیلم با نام مستعار «رضا تیریزی» شد.

➤ **سرباز اسلام**

پیش‌تر درباره اتفاقات عجیب پیرامون «فریاد مجاهد» گفته‌ایم. ستار هریس داداش‌زاده، مشهور به فیروز پیش از انقلاب با فیلم‌هایی به شهرت رسیده بود که داستان‌هایشان در بستر «کشتی کج» و متأثر از ژانری محبوب در مکزیک می‌گذشت. فیروز بازیگر خوش قیافه نبود و آنچه او را مشهور ساخته بود توان فیزیکی و بدن عضلانی‌اش بود. با این حال او از معدود کسانی بود که تلاش کرد پس از انقلاب هم در سینما بماند. تلاش‌هایش برای ارکان «فریاد مجاهد» به‌خصوص ترغیب آیت‌الله یزدی در حمایت از او می‌تواند گره‌بر این مساله باشد. «سرباز اسلام» دومین فیلم او بود و این بار با همکاری امان منطقی در مقام کارگردان که پیش از فیلمساز شدن افسر ارتش بود. فیلم داستان مبارزی مجروح است که به همراه خواهرش در خانه پسر یک مقام ساواکی پناه می‌گیرد که آرام آرام دلپسته خواهرش می‌شود. همانند همان فیلم‌های فارسی

پدر بد طبیعت با این ازدواج مخالفت می‌ورزد و پسر در عوض انقلابی شده تا در نهایت در یک درگیری مسلحانه به همراه برادر مبارز کشته می‌شود. فیلم که امروز می‌تواند یک زی موری جذاب به حساب آید، به‌خصوص در سکانسی متعلق به شکنجه‌گاه ساواک که بیشتر شبیه فیلم‌های فانتزی است، این بار هم با همراهی آیت‌الله یزدی ساخته می‌شود. وی در نامه‌ای از مسئولان وقت می‌خواهد «همکاری‌های لازم از طرف مسئولان ارتش، سپاه و دیگر مقامات لازم با جناب آقای فیروز ستار داداشی، انجام شود.» فیروز در گفت‌وگو با جمال امید می‌گوید پس از پخش فیلم فریاد مجاهد برای آیت‌الله شیرازی، امام جمعه وقت مشهد، نظر او برای ساخت فیلم سرباز اسلام هم جلب می‌کند. در فیلم تصویر ارتشی‌ها منزه است که به سابقه ارتشی منطقی بازمی‌گشت و عجیب نیست فیلم رویکردی ضدچپ هم داشت که باز ارتش نیروی مقابل آنها به حساب می‌آمد. در عوض ساواکی‌ها خائن، وطن‌فروش، تفرقه‌انداز و مستشاران غربی‌هایند. ارکان فیلم با آغاز جنگ مصادف می‌شود و گویا همین مساله به دیده نشدن فیلم هم منجر شد تا جایی‌که فیروز به جمال امید می‌گوید بعد از این شکست «به‌نظم رسید که شناخت لازم را برای ادامه کار ندارم و یا لاقل متوجه آنچه مسئولان انتظار دارند، نیستم.» فیلم برای ارکان مجدد دیگر موفق به کسب پروانه نمایش نمی‌شود.

➤ **سند زنده**

اصغر بیچاره عکاس مشهوری بود که نقش موثری در مستند کردن سینما داشت و البته گهگاهی هم در برابر دوربین فیلمسازان بازی کرده بود. سال ۵۹ او برخلاف جریان دست به ساخت مستندی با عنوان «سند زنده» می‌زند که هدفش روایت تاریخ ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا پیروزی

دولت به ۱۸۰ فیلم مجوز تولید داده است

روح‌الله سهرابی، مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم گفت: «در دولت جدید بیش از ۱۸۰ فیلمنامه سینمایی مجوز تولید گرفته‌اند که ضمن رعایت تنوع ژانر و گوناگونی موضوعات به لحاظ ترکیب و تنوع سینماگران نیز از چهره‌های شاخص و پیشکسوت تاسینماگران تازه‌کار و کمترشناخته‌شده در جدول دیده می‌شوند.» سهرابی ادامه داد: «آنچه بنده از نزدیک شاهد بوده‌ام تک‌تک اعضای شورای پروانه ساخت همواره با وجدان کاری و در خدمت سینماگران هستند و این تعامل به لطف خدا نتایج ارزشمندی داشته است. بنابراین انتظار می‌رود برخی دوستان جانب انصاف و دیگر جوانب امر را در مواضع و نظرات‌شان رعایت کنند و بی‌دلیل و به صرف شنیده‌ها به اعضای محترم شورا به‌ویژه نمایندگان محترم صنوف که حقیقتا در خدمت سینما و سینماگران عزیز هستند حمله نکنند و ناخواسته موجب تضعیف یا تخریب آنها نشوند.» وی عنوان کرد: «سینمای ایران شریف است و بخش مهمی از شرافت آن مدیون اخلاق‌مداری و رعایت حرمت فی‌مابین است لذا اعضای محترم صنوف به‌ویژه عناصر مؤثر، تصمیم‌گیر و مسئول انتظار می‌رود با کنار گذاشتن اختلافات و کمک به سینما این هنر-صنعت مهم را که در حال اوج گرفتن است یاری کنند.»

انقلاب در ۱۳۵۷ بود. متاسفانه نسخه‌ای از فیلم نیافتم و توضیحات درخوری درباره فیلم وجود ندارد.

➤ **به سوی ساحل**

دومین مستند آن سال ساخته چهره‌ای است که بعدها نقش مهمی در احیای فیلمفارسی پس‌انقلابی داشت؛ عبدالله علیخانی. فیلم که متاسفانه موفق به یافتن تصویری از آن نشدم، محصول تلاش‌های یک پسر ۱۸ساله با همراهی سپاه پاسداران شهروزی است که قصدش به تصویر کشیدن تاریخ صدر اسلام با راش‌هایی از بلاک‌باسترهای آمریکایی و تمزیجش با راش‌های شخصی در دکور فیلم‌های گذشته است، چیزی شبیه فیلم‌های راجر کورمن. جمال امید می‌گوید فیلم در تئاتر شهر ارکان شده و بدل به آخرین فیلم علیخانی هم می‌شود. در آینده نگاهی به فیلم‌هایی خواهیم انداخت که با رنگ پرده ندیدند یا ساخته‌های قدیمی بودند که موفق به عبور از سد شورای نظارت وقت شدند.



➤ **خونبارش**

➤ **قیام**



➤ **از فریاد تا ترور**



➤ **سرباز اسلام**



➤ **سند زنده**



➤ **زنده‌باد…**

➤ **چارسو**

۱۰۶فیلم متقاضی سودای سیمرغ جشنواره فجر

طی یک ماه فرصت ثبت‌نام آثار سینمایی در سامانه جشنواره که تا پایان آبان‌ماه ادامه داشت تهیه‌کنندگان ۱۰۶ اثر درخواست خود را برای حضور در بخش سودای سیمرغ (مسابقه سینمای ایران) جشنواره چهل و دوم ثبت کرده‌اند. مدیر دبیرخانه چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با اشاره به حضور ویژه فیلمسازان اول در این دوره جشنواره گفت: «۵۱ اثر ثبت‌نامی به فیلمسازان اول تعلق دارد که کنار فیلمسازان صاحب‌نام متقاضی شرکت در جشنواره هستند.» سیمونیان از تطابق آثار ثبت‌نامی باآیین‌نامه توسط دبیرخانه جشنواره خبر داد و اظهار کرد: «فیلم‌های حائز شرایط حضور پس از ارسال نسخه توسط هیات‌انتخاب بازیینی خواهد شد.» وی ادامه داد: «هیات انتخاب مسابقه بخش ملی بازیینی فیلم‌های متقاضی حضور را از ۱۵ آذرماه آغاز و تا ۱۵ دی ماه اسامی فیلم‌های منتخب را برای حضور در بخش مسابقه سینمای ایران چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اعلام خواهند کرد.» سیمونیان از صاحبان آثار متقاضی درخواست کرد طبق زمان بندی اعلام شده نسخه بازیینی را حداکثر تا ۱۵ آذر ماه به دبیرخانه جشنواره تحویل دهند. امسال در ژانرهای مختلف اثر خواهیم داشت و فیلمسازان صاحب‌نام و اساتید خوب کشورمان آثار خوبی را به جشنواره ارسال کرده‌اند.

فرهنگستان

فرهنگ



سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲



شماره ۴۰۱۹



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY

۱۳